ناشنیده‌ها از زندگی امام موسی صدر در بحبوحه جنگ داخلی لبنان

# نامیرایی سلوک نماد تقریب و رواداری

## گفت‌وگوی اختصاصی خراسان با حورا صدر درباره رویکرد مستندنگارانه و کتاب خواندنی «این طور نیست بابا؟» که اینک در نمایشگاه کتاب تهران در دسترس علاقه‌مندان است

حمیدرضا حلاجیان
calture@khorasannews.com

یکی از موضوعات پراهمیت که طی سال‌های گذشته در نگاه نویسندگان و اهل قلم، شکل جدی‌تری به خود گرفته تولید آثاری بر اساس خاطره‌نگاری و مستندنگاری است. با توجه به اهمیت این سبک، بازدیدم از نمایشگاه کتاب تهران را در روز ششم این رویداد به بررسی آثاری که بر اساس مستندنگاری تولید شده‌اند، اختصاص دادم. بعد از جست و جویی گذرا با تعدادی کتاب در این حوزه رو به رو شدم که در این میان کتاب‌هایی که بر اساس سخنرانی‌ها و زندگی امام موسی صدر نوشته شده برای من جذاب‌تر بود. انتشارات امام موسی صدر را می‌توان مهم‌ترین موسسه انتشاراتی فعال در این زمینه دانست. خبردار شده بودم حورا صدر، مدیر موسسه امام موسی صدر و دختر این شخصیت تأثیرگذار در نمایشگاه کتاب حضور دارد. برای مصاحبه با او که یکی از موثق‌ترین منابع برای گفت‌وگو درباره آثار منتشر شده بر اساس زندگی این شخصیت برجسته است به سمت غرفه امام صدر به راه افتادم.

■ **نمایشگاه کتاب فرصتی برای معرفی امام موسی صدر**

مدت زیادی منتظر اتفاقی بودم که قرار بود تا چند لحظه دیگر رخ دهد، گفت‌وگو با شخصیتی که جزو نزدیک‌ترین افراد به امام موسی صدر بود. حالا در سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران این فرصت برایم مهیا شده بود، به غرفه انتشارات امام صدر که رسیدم، خوشبختانه حورا صدر در این غرفه حضور داشت. جلو رفتم و چند دقیقه‌ای از ارادت قلبی‌ام به امام صدر و خانواده‌اش گفتم؛ از حورا صدر، مدیر انتشارات امام موسی صدر خواستم درباره آثاری که بر اساس زندگی پدرش در حوزه مستندنگاری تألیف شده گفت‌وگوی کوتاهی داشته باشم؛ متواضعانه پاسخ داد خیلی اهل مصاحبه نیست، گفتم: «خبرنگار روزنامه خراسان هستم»، با شنیدن این جمله فضا به کلی تغییر کرد. همین یک جمله و آوردن نام روزنامه خراسان که در ذهن او از سابقه درخشانی برخوردار بود باعث شد درخواست مصاحبه‌ام را بپذیرد و بلافاصله می‌گوید: «نمی‌توانم این درخواست مصاحبه را رد کنم.»

از حورا صدر، درباره فرصت نمایشگاه کتاب و فضای آن می‌پرسم، با روی باز پاسخ می‌دهد: عمده فعالیت‌های ما در حوزه نشر کتاب است که در آن اندیشه‌های امام را به صورت موضوعی یا بخشی به صورت تاریخ شفاهی، منتشر می‌کنیم. شاید تنها فرصتی که در نمایشگاه ما بتوانیم به معرفی امام صدر بپردازیم، معرفی همین کتاب‌هاست. البته فرصت برای معرفی این آثار کم است، گرچه فضاهایی در نمایشگاه برای سخنرانی وجود دارد اما به هر شکل آن قدری که آدم انتظار دارد، استقبال نمی‌شود و بیشتر مردم می‌آیند که کتاب بخرند. از طرفی هم کتاب گران است و قیمت کتاب برای انتخاب مهم است. ما هم ناچاریم با توجه به آنچه می‌خریم و البته حداقل سود کتاب‌ها را عرضه کنیم ولی در عین حال باید ناشرهای دیگر هم راضی باشند.

مدیر انتشارات امام موسی صدر بیان می‌کند: تازه‌ترین اثر در این مجموعه کتاب «آن همیشه مهربان» است که درباره پیامبر اکرم(ص) است؛ این مجموعه سخنرانی‌های مختلفی است که به مناسبت ولادت پیامبر اکرم(ص) یا رحلت ایشان یا مناسبت‌های دیگر انجام شده است.

او سپس درباره مجموعه تاریخی از امام موسی صدر توضیح می‌دهد و می‌افزاید: مجموعه‌های مختلفی به صورت تاریخ شفاهی گردآوری شده که آخرین آن در مصاحبه با ۶ شخصیت علمی فلسفی بنام، مثل آقای احمدی، اعوانی، دینانی و... است که درباره امام موسی صدر صورت گرفته که بیشتر متعلق به دوره جوانی و دانشگاهی ایشان است؛ خاطرات جالبی است به خصوص که از زبان چنین شخصیت‌هایی گفته می‌شود.

■ **رونمایی از یک اثر تازه**

در ادامه این گفت‌وگو، دختر امام موسی صدر، تازه‌ترین کتاب چاپ شده در این مجموعه به نام «میریام» را معرفی می‌کند که همین امسال در نمایشگاه کتاب رونمایی شده است؛ او توضیح می‌دهد: این کتاب شامل خاطرات ربابه خانم صدر است که بیشتر حول خاطراتی از امام و فعالیت‌های ربابه صدر بوده است.

دختر آیت ا... صدر دلیل انتخاب این نام را که خیلی هیجان انگیز است، این طور بیان می‌کند: میریام اسم خواهر حضرت موسی (ع) است. همچنین دلیل دیگر انتخاب این نام این است که در دوره جنگ داخلی، ارتباط تعداد زیادی از افراد از جمله ربابه خانم از طریق بی سیم بود که اسم رمز ایشان میریام بود.

بعد از این که توضیحات حورا صدر درباره کتابی که اکنون در حال صحافی شدن در چاپخانه است به پایان می‌رسد. کتاب دیگری که آن هم در حوزه خاطره نگاری است و امسال منتشر شده را با عنوان «این طور نیست بابا؟» در دست می‌گیرد و می‌گوید: این کتاب مجموعه هفت جلسه خانگی است که امام برای ما صحبت کرده‌اند؛ موضوعات مختلفی که برای فرزندانشان طرح کرده اند، سعی کرده ایم در چاپ هم کمی شکیل تر عمل کنیم. مثلا خواننده می‌تواند با QR کدی که روی بعضی صفحات کتاب است، صدای جلسات را نیز بشنود. موضوعات هم جالب است و البته با زبانی است که آن موقع سن ما‌ها اجازه می‌داد. دلیل انتخاب این نام هم این است که نام کتاب، از میان تکیه کلام‌های امام موسی صدر انتخاب شده است.

حورا صدر در ادامه به این موضوع که این اتفاقات زمانی رخ داده که او حدود ۱۳ سالش بوده اشاره می‌کند. او در پاسخ به این سوال که آن زمان در لبنان زندگی می‌کردید؟ می‌گوید: نه، این خاطرات متعلق به دورانی است که ما فرانسه بودیم و امام این جلسات را در لبنان ضبط می‌کردند و برای ما روی کاست می‌فرستادند. البته ۲ جلسه از این سلسله جلسات مربوط به زمانی است که خود امام به فرانسه آمده بودند و ما هم در کنار ایشان بودیم و این جلسه‌ها ضبط شد. خانم صدر با توضیح این که سعی کرده‌ایم چند عکس هم از فضای آن جلسات در کتاب بگنجانیم، ادامه می‌دهد: این کتاب یکی از جدیدترین کتاب‌های موسسه است و عملا سعی کرده‌ایم قدری متفاوت باشیم.

■ **بهره‌گیری از لحن روان در انتشار آثار**

در حالی که از شنیدن چگونگی تالیف این کتاب‌ها هیجان زده شده بودم، در ذهنم به این فکر می‌کردم که چطور می‌شود آن سال‌ها امام موسی صدر در آن شرایط آشفته جنگ داخلی لبنان و با آن همه مشغله خانوادگی که به اجبار و برای حفظ امنیت آن‌ها به فرانسه فرستاده شده بودند، این قبیل جلسات را بگذارد! موضوعات مختلف طرح کند و کاست‌ها را به فرانسه بفرستد. همزمان به این نکته فکر می‌کردم که این کار چقدر می‌تواند خلاقانه و از روی محبت باشد و چقدر یک انسان آن هم در آن مقام علمی و سیاسی، می‌تواند متفاوت باشد. در حالی که این موضوعات در ذهنم مرور می‌شد از خانم صدر می‌پرسم، واقعا در آن شرایط امام شما را جمع می‌کرد و برایتان جلسات سخنرانی می‌گذاشت؟ یعنی در برنامه روزانه خانه‌تان گاهی این اتفاق می‌افتاد؟ حورا خانم که انگار کاملا متوجه شده از این موضوعات تعجب کرده‌ام و با لبخند و آرامش و وقار همیشگی که از ویژگی‌های خانواده صدر است، توضیح می‌دهد: بله، جلسات جالبی هم بود، لحن امام جالب بود، خیلی روان و ساده، به هر حال امام فرصت خیلی کم داشتند اما وقتی فرصت بود این کارها را می‌کردیم. حورا صدر با لبخند ادامه می‌دهد: حالا لبنانی‌ها می‌گویند کی متن عربی این کتاب را به ما می‌دهید.

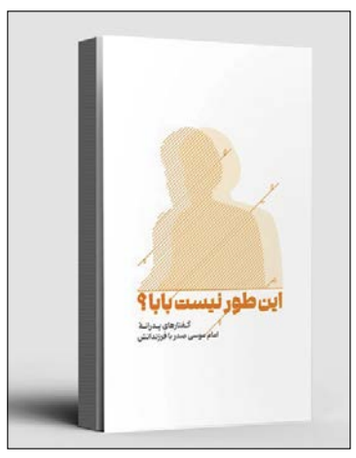


■ **مستندنگاری‌های گام‌به‌گام**

در ادامه چند سوال درباره دیگر آثار انتشارات امام موسی صدر می‌پرسم که حورا صدر مسول کتاب خانه موسسه امام موسی صدر را معرفی می‌کند و می‌گوید: «می‌توانید اطلاعات دیگری را از خانم ادیب بپرسید. از ادیب که مسئول کتاب خانه موسسه امام موسی صدر است در باره راهبرد موسسه امام صدر و مستندنگاری‌های این موسسه می‌پرسم. او در پاسخ می‌گوید: هدف اصلی ما نشر اندیشه‌های امام موسی صدر است. آثار مکتوب امام زیاد نبوده است ولی ما سخنرانی‌های ایشان را تبدیل به کتاب کرده ایم، یکی از مجموعه‌ها «گام به گام با امام» است که ترتیب سخنرانی‌های ایشان و روزشمار تاریخی زندگی شان است، یعنی از اولین روزی که امام در لبنان بوده‌اند، بر اساس انعکاس اخبار روزنامه‌ها، روزشمار این‌ها آمده است و به ترتیب سال، متن سخنرانی‌ها آمده است.

ادیب ادامه می‌دهد: یک کتاب دیگر در باره زندگی امام هست که ایشان خودشان را در مصاحبه‌ای که با خانم مکی داشتند معرفی کرده‌اند؛ خانم مکی این مصاحبه را برای پایان نامه دانشگاهی خود انجام داده بود. این کتاب با عنوان «آنچه خود گفت» منتشر شده است معرفی کامل امام یعنی معرفی اجدادشان از زبان خودشان و فعالیت‌های سیاسی در ایران و موارد دیگر.

مسئول کتابخانه موسسه امام موسی صدر، درباره دیگر مجموعه‌های این موسسه خاطر نشان می‌کند: مجموعه دیگر، مجموعه «درباره امام صدر» است که عمده آن تاریخ شفاهی است که از گفتار و خاطرات مستند دوستان و بستگان امام صدر در آن‌ها استفاده شده است.

او در باره تازه ترین اثر در این مجموعه که به قول حورا خانم داغ داغ در حال صحافی است می‌گوید: «میریام»، خاطرات خواهر امام موسی صدر یعنی ربابه خانم صدر است که در زمان حضور امام صدر در لبنان مسئول خانه ای بوده اند که ایشان برای دختران تاسیس کرده بودند و آنجا هم به امور دختران و زنان شیعه رسیدگی کردند و هم بچه‌های یتیم یعنی بچه هایی را که در جنگ‌ها ممکن بود پدر و مادرشان را از دست بدهند تحت سرپرستی می گرفتند و با ایجاد یک خیریه عملا بچه های شیعه را سرپرستی می کردند.

■ **مستندنگاری‌هایی بر اساس خاطرات امام موسی صدر با دکتر چمران**

از خانم ادیب، درباره کتابی که به ارتباط امام صدر با دکتر مصطفی چمران می‌پردازد می‌پرسم، او پاسخ می دهد: ما طرح تاریخ شفاهی را داریم و در حال جمع آوری برخی مصاحبه با این موضوع هستیم ولی هنوز این کار به پایان نرسیده که بتوانیم آن را تدوین کنیم ولی باید بدانید که این موضوع جزو هدف های اصلی ماست، چرا که شهید چمران فعالیت های خیلی گسترده‌ای با امام داشته اند، چمران مدیر مدرسه ای بوده که امام موسی صدر آن را افتتاح کرده و همچنین این که حتما می دانید ایرانیانی که آن جا می رفتند با کمک شهید چمران هدایت می شدند. بعد از ربوده شدن امام موسی صدر و انقلاب ایران بچه های جنبش امل که بچه های امام موسی صدر و شهید چمران بودند در جبهه های ایران کنار شهید چمران جنگیدند؛ بنابراین از چند بُعد می توانیم این ارتباط ها را بررسی کنیم و دقیقا به همین دلیل است که ما به نقطه ای نرسیده ایم که بتوانیم کتاب را تدوین کنیم اما در آینده که ان شاء ا... نزدیک است این اتفاق خواهد افتاد.

■ **نمایشگاه کتاب تهران و ظرفیت های معرفی آثار مستندنگارانه**

بعد از پایان این گفت و گو تمام فکرم مشغول این بود که کتاب «این طور نیست بابا؟» را سریع تر تهیه کنم و البته امضای حورا خانم را هم روی این کتاب داشته باشم. یکی از خاطرات شیرینی که نمایشگاه کتاب تهران برای من و تعداد زیادی از مخاطبان کتاب از این روزها به یادگار می گذارد همین اتفاق است. در طول این مصاحبه به این فکر می کردم که یک انسان بزرگ مثل امام موسی صدر چه اقداماتی انجام داده که توانسته تا این حد دوست داشتنی باشد، برای فهمیدن این راز، بی تردید نیاز به خواندن کتاب هایی است که بر اساس خاطره نگاری و مستندنگاری منتشر شده است. یکی از مزیت های مهم مستندنگاری که امروز آن را یکی از شاخه های مهم در حوزه ادبیات به شمار می آورند همین اتفاق است که نسل های بعد به خوبی می توانند در زمینه علایق خودشان به سراغ آثار منتشر شده در حوزه مستندنگاری بروند. بر اساس بازدید های میدانی ام در چند روز گذشته فرصت معرفی آثاری که بر اساس مستند نگاری منتشر شده اند در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در حد مطلوبی مهیا بود. کتاب «این طور نیست بابا؟» را از غرفه امام موسی صدر در محل شبستان، راهرو ۲۳، غرفه ۵۷۰ نمایشگاه تهیه کردم و امضای از فرزند امام صدر خواستم روی صفحه اول برایم امضایی از این گفت و گو به یادگار بگذارد. همان شب به خواندن این کتاب مشغول شدم اما افسوس که صبح نشده کتاب تمام شد.

بانمایشگاه کتاب

### درباره رمانی که رهبر انقلاب دومرتبه در دست گرفتند

## «تل‌آویو سقوط کرد» چون وطنشان نبود!

در جریان بازدید رهبر انقلاب از سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب که روز دوشنبه، ۲۴ اردیبهشت انجام شد، یک تصویر مورد توجه قرار گرفت؛ تصویر یک رمان در دست حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای. انتشار تصویر این رمان لبنانی که به فارسی ترجمه شده، با برخی واکنش‌های قابل تامل از سوی دوستان و دشمنان فلسطین نیز مواجه شد. آن چه می‌خوانید، یادداشت خانم سعیده سادات حسینی، مترجم این اثر است که در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای منتشر شده است: «مهرماه پارسال بود که استادم، خانم دکتر علوی من را به بخش ترجمه انتشارات کتابستان معرفی کرد و کار ترجمه رمان «تل‌ابیب سقطت»، اثر سمیه علی هاشم، نویسنده لبنانی را شروع کردم. هنوز نمی‌دانستم این کتاب، همانی است که استاد آذرشب آن را در نمایشگاه کتاب به رهبر انقلاب معرفی و تقدیم کرده‌است. او اواسط کار وقتی برای ترجمه اصطلاحی به مشکل برخوردم و به جست‌وجوی اینترنتی پرداختم. فیلم تقدیم کتاب به رهبر انقلاب در سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب را دیدم و احساس کردم مسئولیتم چقدر نسبت به چند لحظه قبل بیشتر است. این کتاب جایزه بخش داستانی جشنواره کتاب فلسطین را هم به خود اختصاص داده بود. متأسفانه به خانم هاشم، نویسنده کتاب، دسترسی نداشتم و ترجمه بعضی اصطلاحات بومی و منطقه‌ای برایم دشوار بود، اما به لطف پروردگار توانستم این مشکل را حل کنم و کار را جلو ببرم. گاهی برای پیداکردن معنای یک اصطلاح چندین ساعت وقت می‌گذاشتم و به چندین کتاب فرهنگ عربی، سایت‌های عربی و فارسی مراجعه می‌کردم. حتی از هوش مصنوعی هم برای ترجمه این لغات و عبارات کمک گرفتم. نقطه قوت این کتاب، پرداختن به تقابل بین هویت مالکان آواره و بی‌هویتی ساکنان اشغالگر فلسطین است و به این موضوع خیلی ظریف و زیبا پرداخته شده‌است؛ مثلاً در جایی که سرباز رژیم صهیونیستی رشوه می‌گیرد تا چند جوان را از مرز رد کند، نویسنده می‌گوید: موضوع پیچیده‌ای نبود. این سربازان از این راه امرار معاش می‌کردند. حتی نمی‌شد به آن‌ها ایراد گرفت که مملکت‌شان را به یک مشت اسکناس می‌فروشند، چون وطنشان نبود! آن‌ها غارتگرهایی بودند که وطن دیگران را از چنگ‌شان درآورده و مردم بیچاره را آواره کرده بودند. یا در جایی دیگر از داستان که تل‌آویو در پی حملات سایبری، ناامن شده، ساکنان این شهر به‌راحتی سرمایه‌هایشان را از بانک‌ها بیرون می‌کشند و به کشورهای اصلی‌شان برمی‌گردند؛ زیرا معتقدند کشور خودشان امن‌تر و آرام‌تر است. اما از طرف دیگر، جوانان فلسطینی را می‌بینیم که جانشان را بر سر دست می‌گیرند تا آرزوی پدران و تمنای مادرانشان را برای یک لحظه نفس کشیدن در هوای وطن‌شان محقق سازند. ان‌شاءا... به‌زودی شاهد آزادی بیت‌المقدس و پرواز کبوتران سفید آزادی بر فراز گنبد طلایی قبه‌الصخره خواهیم بود. آن روز که رسید نشان دور نیست، «تل‌آویو سقوط کرد» دیگر فقط نامی بر جلد یک رمان نیست.»

غلط ننویسیم

### غذا/غزا/قضا

غذا به معنی «خوراک» است.
غزا به معنی «جنگ و جنگ کردن» است:
با همان تعصب که در تهنیت فتح چالدران سلطان سلیم عثمانی را به تسخیر ایران... دعوت می کرد، خان اوزبک را هم به غزای این طایفه الزام می نمود(زرین کوب، حکایت همچنان باقی: ۶۳)
قضا به معنی «تقدیر، سرنوشت» و «قضاوت و داوری» است:

میان ما هم قرن‌ها همین رسم وجود داشت و کار تعلیم و قضا به روحانیان سپرده بود که جامه خاص خود را داشتند. (خانلری، هفتاد سخن: ۲۹)

برگرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن»، تالیف استاد حسن انوری

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای
رای شماره ۱۴۲۲ ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۱۴۲۰ و ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۲۰۰۱۴۲۰ هیات اول کلاسه‌های ۲۲۹۱ و ۲۲۸۹ و ۲۲۹۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبر آخرتی به شماره شناسنامه ۱۷۱ کد ملی ۰۹۰۱۱۰۰۲۳۱ صادره فرزند عبداله و آقای حجی علی آخرتی به شماره شناسنامه ۴۹۲ کد ملی ۰۹۰۱۰۶۳۴۹۵ صادره فرزند عبداله و خانم زهرا آخرتی به شماره شناسنامه ۱۳۶ کد ملی ۰۹۰۱۰۱۰۲۹۴ صادره فرزند عبداله هر کدام در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۲۱ متر مربع، پلاک ثبتی ۵۲۳۰ فرعی از ۳۰۲۶ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی مالکیت مشاعی متقاضی (آقای علی اکبر آخرتی و آقای حجی علی آخرتی و خانم زهرا آخرتی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۱۷۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰
احمد جهانگیر – رییس ثبت اسناد و املاک کاشمر
۶۷۲۱۲

آگهی فقدان سند مالکیت – با وکالت رویا ارزنده فر
نظر به اینکه خانم مهسا مهدوی مقدم با وکالت رویا ارزنده فر به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت یک دانگ مشاع از ششدانگ به استثنای بهای ثمنیه عرصه و اعیان از پلاک ۶۹۶۶ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار که متعلق به وی میباشد بعلت نقل مکان مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت فوق الذکر ذیل دفتر املاک دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۶۰۱۱۰۰۰۰۱۵ انتقالی برابر مستند انتقال شماره ۱۳۶۴۹۲ مورخه ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ دفتر خانه ۸ سبزوار سند چاپی شماره ۰۸۵۶۳۲ سری د سال ۹۴ به نام نامبرده ثبت و صادر و تسلیم شده دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئینامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۴۰۳.۱۰۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶
رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار – علی آب باریکی
۶۷۹۴۵